Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics

A Jurisprudential and Economic Analysis of the Principle of Shareholders' Limited Liability in Commercial Companies

1. Abolfazl Shahmohammadi Azar: PhD Student, Department of Private Law, Urmia University, Urmia, Iran
2. Seyyed Mehdi Ghoreishi*: Associate Professor, Department of Islamic Jurisprudence and Law, Urmia University, Urmia, Iran. Email: sm.gorshi@urmia.ac.ir (Corresponding Author)

ABSTRACT

The principle of limited liability is one of the most fundamental institutions of modern company law, playing a central role in separating corporate assets from the personal assets of shareholders, allocating economic risk, and facilitating investment. Under this principle, shareholders and partners are generally liable for corporate debts and obligations only to the extent of their capital contributions, while corporate creditors ordinarily have no direct claim against their personal assets. Despite its economic importance, the jurisprudential foundations and legitimate limits of limited liability require careful examination within the Iranian legal system because the modern form of this principle has no direct equivalent in traditional jurisprudential partnership structures. This study aims to explain the jurisprudential foundations of limited liability, examine its relationship with corporate legal personality and asset separation, and evaluate its economic functions and limitations. The research adopts a descriptive-analytical method based on jurisprudential, legal, and economic sources. The findings indicate that limited liability can be reconciled with Imami jurisprudence through the validity of lawful agreements, the possibility of defining the scope of financial obligations, commercial custom, rational practice, and the practical necessities of organizing modern economic activity. At the same time, principles prohibiting harm, protecting the rights of others, and preventing abuse of rights preclude an absolute interpretation of limited liability. Economically, the principle reduces investment risk, facilitates capital accumulation, improves share transferability, lowers transaction costs, and encourages broader participation in commercial ventures. However, where transparency and supervision are inadequate, it may shift excessive risk to creditors and other third parties. The study concludes that limited liability should remain the general rule while clear exceptions should apply in cases of fraud, abuse of corporate personality, commingling of assets, and intentional harm to third parties. Such an approach can establish a balanced relationship between jurisprudential legitimacy, transactional justice, and economic efficiency.

Keywords: *Limited Liability, Commercial Companies, Imami Jurisprudence, Legal Personality, Asset Separation, Economic Analysis of Law.*

How to cite: Shahmohammadi Azar, A. & Ghoreishi, S. M. (2028). A Jurisprudential and Economic Analysis of the Principle of Shareholders' Limited Liability in Commercial Companies. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, *1*0(1), 1-22.

© 2028 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 24 May 2026
Revise Date: 06 November 2026
Accept Date: 14 November 2026
Initial Publish Date: 18 November 2026
Final Publish Date: 20 April 2028

پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست

تحلیل فقهی و اقتصادی اصل مسئولیت محدود شرکا در شرکت‌های تجاری

۱. ابوالفضل شاه محمدی آذر: دانشجوی دکتری، گروه حقوق خصوصی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران
۲. سید مهدی قریشی*: دانشیار، گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. پست الکترونیک: sm.gorshi@urmia.ac.ir (نویسنده مسئول)

چکیده

اصل مسئولیت محدود شرکا یکی از مهم‌ترین نهادهای حقوق شرکت‌های تجاری است که نقش اساسی در تفکیک دارایی شرکت از دارایی شخصی شرکا، توزیع ریسک اقتصادی و تسهیل سرمایه‌گذاری ایفا می‌کند. بر اساس این اصل، شرکا و سهامداران اصولاً فقط تا میزان سرمایه یا آورده خود در برابر دیون و تعهدات شرکت مسئول‌اند و طلبکاران شرکت، در حالت عادی، حق مراجعه به اموال شخصی آنان را ندارند. با وجود اهمیت اقتصادی این اصل، مبانی فقهی و حدود مشروعیت آن در نظام حقوقی ایران نیازمند تحلیل دقیق است؛ زیرا مفهوم مسئولیت محدود به شکل امروزی در ساختار سنتی شرکت‌های فقهی سابقه مستقلی ندارد. هدف پژوهش حاضر، تبیین مبانی فقهی اصل مسئولیت محدود، بررسی ارتباط آن با شخصیت حقوقی و استقلال دارایی شرکت و ارزیابی آثار اقتصادی و محدودیت‌های آن است. پژوهش با روش توصیفی ـ تحلیلی و بر پایه مطالعه منابع فقهی، حقوقی و اقتصادی انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که مسئولیت محدود را می‌توان با اتکا به اعتبار قراردادهای مشروع، امکان تعیین حدود تعهدات، عرف تجاری، سیره عقلا و ضرورت‌های سازمان‌دهی فعالیت‌های اقتصادی با مبانی فقه امامیه سازگار دانست. در عین حال، قواعد منع اضرار، احترام حقوق اشخاص و منع سوءاستفاده از حق، مانع از پذیرش مطلق این اصل می‌شوند. از منظر اقتصادی، مسئولیت محدود موجب کاهش ریسک سرمایه‌گذاری، تسهیل تجمیع سرمایه، افزایش قابلیت انتقال سهام، کاهش هزینه‌های معاملاتی و تقویت مشارکت سرمایه‌گذاران می‌شود؛ بااین‌حال، ممکن است در صورت ضعف نظارت و شفافیت، به انتقال ناموجه ریسک به طلبکاران منجر شود. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که حفظ مسئولیت محدود به‌عنوان قاعده عمومی، همراه با پیش‌بینی استثناهای روشن در موارد تقلب، سوءاستفاده از شخصیت حقوقی، اختلاط دارایی و اضرار به اشخاص ثالث، می‌تواند تعادل مناسبی میان موازین فقهی، عدالت معاملاتی و کارایی اقتصادی ایجاد کند.

واژگان کلیدی: *مسئولیت محدود، شرکت‌های تجاری، فقه امامیه، شخصیت حقوقی، استقلال دارایی، تحلیل اقتصادی حقوق.*

نحوه استناددهی: شاه محمدی آذر، ابوالفضل.، و قریشی، سید مهدی. (۱۴۰۷). تحلیل فقهی و اقتصادی اصل مسئولیت محدود شرکا در شرکت‌های تجاری. *پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست*، ۱۰(۱)، ۲۲-۱.

© ۱۴۰۷ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۳ خرداد ۱۴۰۵
تاریخ بازنگری: ۱۵ آبان ۱۴۰۵
تاریخ پذیرش: ۲۳ آبان ۱۴۰۵
تاریخ چاپ اولیه: ۲۷ آبان ۱۴۰۵
تاریخ چاپ نهایی: ۱ اردیبهشت ۱۴۰۷

مقدمه

شرکت‌های تجاری در اقتصاد معاصر مهم‌ترین قالب حقوقی برای سازمان‌دهی فعالیت‌های جمعی، تجمیع سرمایه، توزیع ریسک و استمرار فعالیت اقتصادی به شمار می‌آیند. توسعه بازارهای مالی، افزایش حجم سرمایه‌گذاری‌های صنعتی و تجاری و پیچیده‌تر شدن روابط میان صاحبان سرمایه، مدیران، طلبکاران و اشخاص ثالث سبب شده است که قواعد حقوق شرکت‌ها دیگر صرفاً مجموعه‌ای از ضوابط شکلی درباره تشکیل و اداره شرکت نباشند، بلکه مستقیماً بر امنیت سرمایه‌گذاری، میزان پذیرش ریسک اقتصادی و نحوه توزیع منافع و زیان‌های ناشی از فعالیت تجاری اثر بگذارند. یکی از مهم‌ترین نهادهایی که در این میان جایگاهی بنیادین دارد، اصل مسئولیت محدود شرکا است. بر پایه این اصل، شریک یا سهامدار در شرکت‌های سرمایه‌محور اصولاً بیش از میزان آورده، تعهد سرمایه‌ای یا سهمی که قانوناً بر عهده گرفته است مسئول دیون شرکت نخواهد بود و طلبکاران شرکت نیز در حالت عادی باید برای وصول مطالبات خود به دارایی شرکت مراجعه کنند، نه به اموال شخصی صاحبان سرمایه. این تفکیک در حقوق شرکت‌ها با استقلال شخصیت حقوقی شرکت ارتباطی تنگاتنگ دارد؛ زیرا پذیرش شرکت به‌عنوان موجودیتی حقوقی مستقل، زمینه جدایی دارایی و تعهدات آن از دارایی و تعهدات شرکا را فراهم می‌کند. نظریه شخصیت حقوقی واقعی شرکت نیز تلاش می‌کند این استقلال را نه صرفاً یک فرض فنی، بلکه نتیجه وجود سازمان، اراده جمعی و دارایی مستقل شرکت تلقی کند (Amini, 2025). در ساختار شرکت‌های سهامی نیز جدایی شخصیت شرکت از اشخاص سهامدار از عناصر اصلی سازمان حقوقی شرکت تلقی می‌شود و همین امر امکان انتقال سهام و تغییر اشخاص سرمایه‌گذار را بدون تأثیر بر استمرار شخصیت شرکت فراهم می‌آورد (Ali Kazem, 2025).

اصل مسئولیت محدود از منظر حقوقی صرفاً امتیازی برای صاحبان سرمایه نیست، بلکه بخشی از معماری حقوقی شرکت تجاری محسوب می‌شود. هنگامی که شخصی با خرید سهم یا تأدیه بخشی از سرمایه وارد شرکت می‌شود، میزان ریسکی که از منظر حقوقی می‌پذیرد قابل اندازه‌گیری است. سرمایه‌گذار می‌تواند پیش از ورود به فعالیت اقتصادی، حداکثر زیان ناشی از مشارکت خود را برآورد کند و بداند که شکست اقتصادی شرکت، در حالت عادی، تمام دارایی شخصی او را در معرض مطالبه بستانکاران قرار نمی‌دهد. چنین وضعیتی به‌ویژه در شرکت‌های سهامی که ممکن است صدها یا هزاران سهامدار داشته باشند، شرط مهمی برای تجمیع سرمایه‌های کوچک و پراکنده است. مطالعه ساختار شرکت‌ها در نظام‌های مختلف نیز نشان می‌دهد که استقلال شرکت و محدود شدن ریسک سرمایه‌گذار از عناصر تعیین‌کننده سازمان شرکت‌های سرمایه‌محور است (Ghayth Abdulrahman Hammoud, 2024). در عین حال، آثار حقوقی این استقلال نباید به‌گونه‌ای تفسیر شود که ساختار شرکت به وسیله‌ای برای انتقال ناعادلانه زیان به طلبکاران یا فرار از الزامات قانونی تبدیل شود. بررسی آثار عبور از حجاب شخصیت حقوقی نشان می‌دهد که حقوق شرکت‌ها در موارد سوءاستفاده از استقلال شخصیت شرکت، امکان کنار گذاشتن حمایت عادی ناشی از جدایی شرکت و شرکا را مطرح می‌کند (Yaghoubi et al., 2024). بنابراین، مسئولیت محدود در نظام حقوقی مطلوب نه مصونیتی مطلق، بلکه حمایتی قاعده‌مند و مشروط است.

اهمیت مسئله هنگامی بیشتر آشکار می‌شود که اصل مسئولیت محدود از منظر فقه امامیه مورد مطالعه قرار گیرد. مفهوم شرکت در فقه کلاسیک بر مشارکت اشخاص در مال، منفعت یا فعالیت اقتصادی استوار بوده است و ساختارهای سازمانی شرکت‌های سهامی امروز، با ویژگی‌هایی مانند شخصیت حقوقی مستقل، سرمایه تقسیم‌شده به سهام، قابلیت انتقال مالکیت و جدایی مدیریت از مالکیت، به همان صورت در منابع سنتی فقهی وجود نداشته‌اند. بررسی شرکت مدنی نیز نشان می‌دهد که قواعد فقهی سنتی بیشتر بر رابطه مستقیم شرکا با مال مشترک و آثار

مشارکت میان آنان تمرکز داشته است (Valaviyoun & Najafzadeh, 2022). اختلاف دیدگاه‌های فقهی درباره برخی صورت‌های تاریخی شرکت، از جمله شرکت مفاوضه، نیز نشان می‌دهد که حدود مسئولیت و رابطه شرکا در قالب‌های گوناگون شرکت همواره با مباحث مبنایی همراه بوده است (Hakimi Sadr & Aziz, 2023). ازاین‌رو نمی‌توان مسئولیت محدود را صرفاً از طریق تطبیق لفظی با یکی از صورت‌های سنتی شرکت تحلیل کرد، بلکه باید ظرفیت قواعد عمومی فقه برای شناسایی یک سازمان حقوقی نوین و تعیین حدود تعهدات اشخاص در آن بررسی شود.

از منظر فقه معاملات، پرسش اصلی آن است که آیا شرکا می‌توانند با ورود به ساختاری حقوقی که حدود مسئولیت آنان از ابتدا مشخص است، مسئولیت خود را در برابر دیون شرکت به میزان سرمایه محدود کنند یا اینکه چنین محدودیتی با قواعد ضمان و مسئولیت مالی ناسازگار است. اعتبار قراردادها و لزوم وفای به تعهدات مشروع یکی از مهم‌ترین مبانی قابل استفاده در پاسخ به این پرسش است. تحلیل اصل لزوم در فقه امامیه و حقوق ایران نشان می‌دهد که الزام‌آور بودن روابط قراردادی تا جایی قابل حمایت است که توافق طرفین با قواعد آمره و اصول برتر حقوقی تعارض نداشته باشد (Fatin Azar, 2024). از سوی دیگر، قاعده لاضرر می‌تواند در تعیین مرزهای این حمایت نقش ایفا کند؛ به این معنا که هیچ ساختار قراردادی یا سازمانی نباید به پوششی برای تحمیل زیان نامشروع بر دیگران تبدیل شود (Anahid & Ghorbani, 2024). تحلیل جدیدتر قاعده لاضرر نیز امکان محدود کردن آزادی قراردادی در مواردی را که اعمال آن به زیان غیرموجه دیگری منجر می‌شود تأیید می‌کند (Rezaei, 2026). بنابراین، مسئله فقهی مسئولیت محدود بیش از آنکه به پذیرش یا رد مطلق آن مربوط باشد، به تعیین مبانی مشروعیت و مرزهای اعمال آن مربوط می‌شود.

مسئولیت محدود همچنین واجد آثار اقتصادی گسترده‌ای است. یکی از مهم‌ترین آثار آن کاهش ریسک شخصی سرمایه‌گذار و تسهیل ورود اشخاص به فعالیت‌های اقتصادی پرریسک اما مولد است. اگر هر سهامدار در برابر تمامی بدهی‌های شرکت مسئولیت نامحدود می‌داشت، سرمایه‌گذاری در شرکت‌های بزرگ برای بسیاری از اشخاص عقلایی نبود؛ زیرا حتی مالکیت درصد بسیار کوچکی از سهام می‌توانست دارایی شخصی آنان را در برابر بدهی‌های بسیار بزرگ شرکت قرار دهد. مسئولیت محدود این عدم تناسب میان میزان مشارکت و میزان ریسک را کاهش می‌دهد و امکان تنوع‌بخشی به سبد سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد. بااین‌حال، محدود کردن ریسک سهامدار ممکن است بخشی از ریسک فعالیت را به بستانکاران منتقل کند. به همین علت، حمایت از حقوق طلبکاران باید مکمل پذیرش مسئولیت محدود باشد. بررسی آثار ادغام شرکت‌ها نیز نشان می‌دهد که تحولات ساختاری شرکت می‌تواند حقوق سهامداران و طلبکاران را به‌صورت هم‌زمان تحت تأثیر قرار دهد و نمی‌توان حمایت از یک گروه را بدون توجه به گروه دیگر طراحی کرد (Osama Najm, 2023). همچنین گسترش شرکت‌های مادر و تابع پیچیدگی مسئله مسئولیت و تفکیک دارایی را افزایش داده است (Baghernejad, 2023).

پژوهش حاضر با هدف تحلیل هم‌زمان مبانی فقهی و کارکرد اقتصادی اصل مسئولیت محدود شرکا در شرکت‌های تجاری انجام می‌شود. مسئله اصلی آن است که این اصل بر چه مبانی فقهی قابل توجیه است، چه رابطه‌ای با شخصیت حقوقی و استقلال دارایی شرکت دارد، چه آثار اقتصادی مطلوب یا نامطلوبی ایجاد می‌کند و در چه شرایطی باید از حمایت ناشی از آن صرف‌نظر کرد. رویکرد پژوهش توصیفی ـ تحلیلی است و تلاش می‌شود با تکیه بر مبانی حقوق شرکت‌ها، قواعد عمومی فقه امامیه و ملاحظات تحلیل اقتصادی حقوق، چارچوبی ارائه شود که از یک سو انگیزه سرمایه‌گذاری و کارایی سازمان شرکت حفظ شود و از سوی دیگر مسئولیت محدود به ابزار تقلب، انتقال ناموجه ریسک یا تضییع حقوق طلبکاران تبدیل نشود. فرض اساسی این تحلیل آن است که مسئولیت محدود را نمی‌توان به‌صورت منفرد بررسی

کرد؛ این نهاد جزئی از مجموعه‌ای به‌هم‌پیوسته شامل شخصیت حقوقی، استقلال دارایی، سرمایه شرکت، نظام افشای اطلاعات، مسئولیت مدیران و سازوکارهای مقابله با سوءاستفاده است و مشروعیت و کارایی آن نیز در همین شبکه نهادی باید سنجیده شود.

مفهوم، ماهیت و جایگاه حقوقی اصل مسئولیت محدود شرکا

مسئولیت محدود در ساده‌ترین بیان به این معنا است که شریک یا سهامدار یک شرکت سرمایه‌محور اصولاً در قبال تعهدات شرکت فقط تا میزان تعهد سرمایه‌ای خود در معرض زیان قرار می‌گیرد. این تعریف در عین سادگی واجد چند نتیجه حقوقی مهم است. نخست آنکه بدهکار اصلی در برابر طلبکاران، خود شرکت است و نه مجموعه شرکا؛ دوم آنکه دارایی شرکت باید از دارایی شخصی شرکا تفکیک شود؛ سوم آنکه طلبکار شرکت در حالت عادی حق ندارد صرفاً به دلیل ناکافی بودن دارایی شرکت به اموال شخصی سهامداران رجوع کند؛ و چهارم آنکه محدودیت مزبور ناظر بر مسئولیت ناشی از عضویت یا سرمایه‌گذاری در شرکت است و مسئولیت شخص ناشی از تقلب، تخلف یا رفتار زیان‌بار شخصی او را از بین نمی‌برد. تحلیل ماهیت شرکت‌های سهامی نشان می‌دهد که استقلال سازمانی شرکت و استمرار آن علی‌رغم تغییر اشخاص سهامدار، مبنای مهمی برای پذیرش چنین تفکیکی است (Ali Kazem, 2025). نظریه شخصیت واقعی شرکت نیز استقلال دارایی و اراده سازمانی شرکت را از نتایج طبیعی شناسایی شرکت به‌عنوان شخص حقوقی می‌داند (Amini, 2025).

رابطه مسئولیت محدود با شخصیت حقوقی رابطه‌ای ساختاری است. هنگامی که نظام حقوقی شرکت را موجودیتی مستقل می‌شناسد، حقوق و تعهدات ناشی از فعالیت‌های شرکت اصولاً به همان شخصیت نسبت داده می‌شوند. قرارداد فروش، استخدام، وام، اجاره یا ارائه خدمات که مدیر به نام و در حدود اختیارات شرکت منعقد می‌کند، برای شرکت حق یا تعهد ایجاد می‌کند. سرمایه‌ای که شرکا وارد شرکت می‌کنند نیز پس از انتقال به شرکت، در چارچوب قواعد مربوط به سرمایه و دارایی شرکت اداره می‌شود و دیگر نمی‌توان آن را همانند مال شخصی شریک تلقی کرد. این استقلال نه‌تنها در شرکت‌های چندعضوی بلکه در بحث شرکت تک‌عضوی نیز اهمیت دارد؛ زیرا امکان شناسایی شرکت تک‌عضوی نشان می‌دهد که شخصیت شرکت لزوماً مساوی با جمع جبری شخصیت شرکا نیست (Mousavi Mobarakeh, 2023). همین نکته یکی از دلایل مهم برای تحلیل مسئولیت محدود به‌عنوان اثر استقلال سازمانی شرکت است، نه صرفاً نتیجه یک توافق خصوصی میان شرکا.

تفکیک دارایی شرکت و شرکا دو سویه است. از یک سو طلبکاران شخصی شریک در حالت عادی نمی‌توانند برای مطالبات خود مستقیماً به اموال شرکت رجوع کنند، زیرا مال شرکت متعلق به شخصیت حقوقی است و نه به هر شریک به‌صورت مشاع. از سوی دیگر، طلبکاران شرکت نیز اصولاً نمی‌توانند به دارایی خصوصی شرکا دسترسی داشته باشند. این تفکیک، دارایی شرکت را به مجموعه‌ای اختصاصی برای پاسخ‌گویی به تعهدات ناشی از فعالیت شرکت تبدیل می‌کند و از منظر اقتصادی امکان محاسبه بهتر ریسک اعتباری شرکت را فراهم می‌سازد. قواعد داخلی تجارت نیز بر استقلال شرکت و آثار سازمانی آن تأکید دارند و تحلیل اصول حقوق تجارت نشان می‌دهد که فعالیت شرکت باید در قالب مجموعه‌ای هماهنگ از قواعد مربوط به تشکیل، سرمایه، نمایندگی و مسئولیت مطالعه شود (Darabpour et al., 2023). چنین انسجامی برای مسئولیت محدود حیاتی است؛ زیرا اگر استقلال دارایی به رسمیت شناخته نشود، محدود کردن مسئولیت صاحبان سرمایه فاقد زیرساخت حقوقی مناسب خواهد بود.

بااین‌حال مسئولیت محدود نباید با «عدم مسئولیت» اشتباه شود. سهامدار ممکن است نسبت به دیون شرکت مسئول نباشد، اما اگر شخصاً مرتکب رفتار زیان‌بار شود، از شخصیت حقوقی برای فریب دیگران استفاده کند یا در عملی متقلبانه مشارکت داشته باشد، قواعد عمومی

مسئولیت می‌تواند نسبت به او اعمال شود. مسئولیت ناشی از سوءاستفاده از حق نیز نشان می‌دهد که برخورداری از یک حق یا امتیاز قانونی به معنای آزادی مطلق در شیوه استفاده از آن نیست (Jarfi et al., 2024). بر همین اساس، حق سهامدار برای استناد به جدایی شخصیت خود از شرکت تا زمانی قابل حمایت است که این جدایی در چارچوب کارکرد مشروع شرکت به کار رود. هنگامی که شرکت به‌طور صوری ایجاد می‌شود، دارایی‌های آن عمداً تخلیه می‌شود، معاملات به قصد اضرار به طلبکاران طراحی می‌شوند یا شخصیت شرکت صرفاً پوششی برای رفتار شخصی صاحبان کنترل است، مبنای حمایت ضعیف می‌شود.

در شرکت‌های مختلف، دامنه مسئولیت شرکا یکسان نیست و همین تفاوت نشان می‌دهد که مسئولیت محدود نتیجه انتخاب آگاهانه قانون‌گذار درباره ساختار سازمانی هر نوع شرکت است. شرکت‌های اشخاص بر اعتماد شخصی، اعتبار شرکا و مسئولیت گسترده‌تر آنان استوارند، حال آنکه در شرکت‌های سرمایه، سرمایه شرکت و ساختار سازمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. بنابراین، مسئولیت محدود با ویژگی‌های شرکت‌های سرمایه‌محور تناسب بیشتری دارد. مطالعه تطبیقی تشکیل شرکت در ایران و عراق نیز تفاوت ساختارهای قانونی شرکت و نحوه تنظیم مسئولیت مؤسسان و شرکا را نشان می‌دهد (Ghayth Abdulrahman Hammoud, 2024). از منظر سیاست حقوقی، انتخاب میان مسئولیت محدود و نامحدود درواقع انتخاب میان دو الگوی توزیع ریسک است: در الگوی نخست بخش عمده ریسک اقتصادی فعالیت به دارایی شرکت محدود می‌شود و در الگوی دوم، اعتبار شخصی شرکا نیز پشتوانه دیون شرکت قرار می‌گیرد.

جایگاه سرمایه شرکت در این ساختار بسیار مهم است. اگر شرکا از مسئولیت شخصی نسبت به بدهی‌های شرکت حمایت می‌شوند، سرمایه و دارایی مستقل شرکت باید نخستین منبع تأمین حقوق طلبکاران باشد. در نتیجه مقررات مربوط به تأدیه سرمایه، منع برداشت غیرقانونی از دارایی شرکت، تقسیم سود، حفظ حداقل سرمایه در مواردی که قانون آن را مقرر کرده و افشای وضعیت مالی، نقش مکمل مسئولیت محدود را دارند. حمایت از طلبکاران در فرآیندهای ساختاری مانند ادغام نیز از همین منطق ناشی می‌شود؛ زیرا تغییر در دارایی یا شخصیت شرکت ممکن است موقعیت بستانکار را متحول سازد (Osama Najm, 2023). بنابراین، مسئولیت محدود تنها در صورتی می‌تواند از منظر عدالت معاملاتی قابل دفاع باشد که اشخاص ثالث بتوانند وضعیت طرف قرارداد خود را بشناسند و بدانند که پشتوانه اصلی طلب آنان دارایی شرکت است.

مسئله در گروه شرکت‌ها پیچیده‌تر می‌شود. شرکت مادر ممکن است با وجود استقلال حقوقی شرکت تابع، بر سیاست‌های مالی، مدیریت یا انتقال دارایی آن کنترل مؤثر داشته باشد. اگر مسئولیت محدود و استقلال شخصیت حقوقی بدون توجه به واقعیت کنترل اعمال شوند، ممکن است شرکت مادر منافع فعالیت اقتصادی را دریافت کند ولی هزینه‌ها و بدهی‌ها در شرکت تابع باقی بماند. بررسی شرکت‌های مادر و تابع در حقوق ایران و کامن‌لا نشان می‌دهد که مسئله مسئولیت در گروه شرکت‌ها نیازمند توجه به رابطه واقعی کنترل و استقلال هر شخصیت حقوقی است (Baghernejad, 2023). به همین علت نظریه عبور از حجاب شخصیت حقوقی در برخی موارد تلاش می‌کند از استفاده ابزاری از تعدد اشخاص حقوقی جلوگیری کند. آثار عبور از حجاب شخصیت حقوقی نسبت به شرکت مادر یا مدیران مسئول نیز نشان می‌دهد که استقلال شرکت در صورت سوءاستفاده می‌تواند با محدودیت روبه‌رو شود (Yaghoubi et al., 2024).

مسئولیت مدیران نیز باید از مسئولیت شرکا متمایز شود. مدیر به دلیل داشتن سهم لزوماً مسئول بدهی شرکت نیست، اما ممکن است به دلیل نقض وظایف مدیریتی، اقدام خارج از حدود اختیار، تقصیر یا تخلف از قانون دارای مسئولیت شخصی شود. بررسی مسئولیت مدنی مدیران در ایران و انگلستان نشان می‌دهد که نسبت دادن تعهدات عادی شرکت به مدیر یا مسئول شناختن او بابت رفتار متخلفانه دو موضوع جداگانه

است (Eftekhari et al., 2025). در مورد مدیران سایه نیز همین مسئله اهمیت دارد؛ شخصی که بدون عنوان رسمی بر تصمیم‌های مدیران تسلط مؤثر دارد، ممکن است در شرایطی نتواند پشت ظاهر سازمانی شرکت پنهان شود (Baranzehi et al., 2024). مقررات مربوط به مسئولیت مدیر در معاملات نیز نشان‌دهنده ضرورت تفکیک نقش نمایندگی مدیر از مسئولیت شخصی اوست (Zamiri Touli, 2024). در نتیجه اصل مسئولیت محدود شرکا نباید به اشتباه به مدیران یا کنترل‌کنندگان شرکت تسری داده شود تا آنان از مسئولیت رفتار شخصی خود رهایی یابند.

حتی شروط قراردادی معاف‌کننده مدیران نیز نمی‌توانند بدون محدودیت پذیرفته شوند. بررسی محدودیت‌های شروط سلب یا کاهش مسئولیت مدیران نشان می‌دهد که آزادی قراردادی در این زمینه با الزامات مربوط به نظم عمومی و جلوگیری از بی‌مسئولیتی مدیریتی محدود می‌شود (Fatemi Kanglou, 2026). این نکته از حیث مسئولیت محدود شرکا نیز اهمیت نظری دارد؛ زیرا نشان می‌دهد نظام حقوق شرکت‌ها به‌طور کلی میان «ریسک مشروع ناشی از سرمایه‌گذاری» و «مسئولیت ناشی از رفتار نادرست شخصی» تمایز قائل است. مسئولیت محدود ناظر به نوع نخست است و نباید به سپری برای نوع دوم تبدیل شود.

در نهایت، جایگاه حقوقی اصل مسئولیت محدود را باید در تعادل میان چهار ملاحظه جست‌وجو کرد: استقلال شخصیت حقوقی، حمایت از سرمایه‌گذاری، حفظ دارایی شرکت برای پاسخ‌گویی به طلبکاران و جلوگیری از سوءاستفاده. اگر تنها عنصر نخست و دوم مورد توجه قرار گیرد، احتمال انتقال ناموجه ریسک به طلبکاران افزایش می‌یابد؛ اگر فقط حمایت از طلبکاران مبنا قرار گیرد، انگیزه ورود سرمایه به فعالیت‌های اقتصادی کاهش خواهد یافت. ازاین‌رو مسئولیت محدود نهادی مطلق نیست، بلکه سازوکاری برای تخصیص حقوقی ریسک است که کارکرد صحیح آن وابسته به شفافیت، تفکیک واقعی دارایی، سرمایه‌گذاری واقعی شرکا و مسئولیت مؤثر اشخاصی است که از ساختار شرکت برای رفتار متقلبانه یا زیان‌بار استفاده می‌کنند.

تحلیل فقهی اصل مسئولیت محدود شرکا

تحلیل فقهی مسئولیت محدود با این واقعیت آغاز می‌شود که اصطلاح و ساختار امروزی آن به شکل مستقل در متون کلاسیک فقه امامیه مطرح نشده است. شرکت در فقه سنتی عمدتاً در قالب مشارکت اشخاص در مال یا فعالیت اقتصادی بررسی شده و بسیاری از مباحث مربوط به اذن در تصرف، تقسیم سود و زیان، ضمان، تعدی و تفریط و آثار انحلال در چارچوب رابطه مستقیم شرکا شکل گرفته‌اند. مطالعه فقهی و حقوقی قرارداد شرکت مدنی نیز نشان می‌دهد که الگوی سنتی شرکت بر رابطه مال مشترک و شرکا استوار است و با سازمان شرکتی مدرن تفاوت‌هایی جدی دارد (Valaviyoun & Najafzadeh, 2022). همچنین اختلاف دیدگاه‌های مذاهب درباره شرکت مفاوضه نشان می‌دهد که حتی در فقه سنتی نیز همه اشکال سازمان‌دهی مشارکت مالی دارای حکم یکسان نبوده‌اند (Hakimi Sadr & Aziz, 2023). ازاین‌رو، فقدان عنوان خاص «مسئولیت محدود» در متون متقدم به‌تنهایی نمی‌تواند دلیل عدم مشروعیت آن باشد؛ بلکه باید بررسی شود آیا قواعد عام فقهی امکان شناسایی نهادی نوپدید با چنین آثار حقوقی را فراهم می‌کنند یا خیر.

یکی از مبانی اصلی برای تحلیل مشروعیت مسئولیت محدود، اصل اعتبار قراردادها و لزوم وفای به تعهدات است. ساختار شرکت تجاری بر مجموعه‌ای از توافق‌ها و قواعد سازمانی استوار می‌شود که شرکا هنگام تأسیس یا ورود به شرکت آن‌ها را می‌پذیرند. اگر قانون نوع شرکت را به‌صورت شفاف مشخص کرده باشد و اشخاص ثالث نیز بدانند که مسئولیت صاحبان سرمایه محدود است، می‌توان استدلال کرد که حدود تعهدات از ابتدا معلوم بوده و کسی بر خلاف تعهد پذیرفته‌شده خود از مسئولیت فرار نکرده است. بررسی تطبیقی اصل لزوم قراردادها در فقه

امامیه، حقوق ایران و فرانسه نیز بر اهمیت الزام‌آور بودن تعهدات صحیح و نقش حسن نیت در اجرای آن‌ها تأکید دارد (Fatin Azar, 2024). بنابراین، اگر شریک تعهد کرده است سرمایه معینی را وارد شرکت کند و آن را به‌طور کامل تأدیه کرده باشد، مطالبه بیش از آن از وی برای دیونی که شخصاً در ایجاد آن دخالت نداشته است نیازمند مبنای مستقلی خواهد بود.

این تحلیل با بحث شرط و تحدید تعهد نیز ارتباط پیدا می‌کند. در فقه معاملات، اصل بر آن نیست که هر شرطی معتبر باشد؛ شرط باید مشروع، معلوم و غیرمخالف با مقتضای عقد یا قواعد الزامی باشد. بررسی شروط تضمین در مضاربه و شرکت مدنی نشان می‌دهد که تعیین نحوه توزیع ریسک و ضمان میان طرفین از مسائل مهم فقهی است و اعتبار هر شرط باید بر اساس ماهیت عقد و قواعد حاکم بر آن سنجیده شود (Gholamalizadeh et al., 2024). از همین منظر، مسئولیت محدود را نمی‌توان صرفاً یک «شرط اسقاط مسئولیت» دانست، زیرا در شرکت سرمایه‌ای بدهکار اصلی از ابتدا شخصیت حقوقی شرکت است و شریک نیز فقط در حدود تعهد سرمایه‌ای خود وارد رابطه شده است. تفاوت اساسی میان این دو وضعیت وجود دارد: در اسقاط مسئولیت، شخص ابتدا مسئول فرض می‌شود و سپس می‌خواهد مسئولیت خود را حذف کند؛ اما در ساختار مسئولیت محدود، دامنه تعهد از آغاز به شکل دیگری تعریف شده است.

سیره عقلا یکی دیگر از مبانی مهم در پذیرش ساختار شرکت‌های جدید است. شرکت تجاری مدرن محصول نیازهای گسترده اقتصادی است و در نظام‌های حقوقی مختلف به‌عنوان ابزاری متعارف برای تجمیع سرمایه و اداره فعالیت‌های اقتصادی پذیرفته شده است. ساختار شرکت‌های سهامی عمومی و خصوصی و آثار شخصیت مستقل آن‌ها در نظام‌های حقوقی مختلف نشان‌دهنده رسوخ گسترده این سازمان حقوقی در روابط اقتصادی است (Ali Kazem, 2025). حتی تشکیل شرکت در نظام‌های حقوقی کشورهای اسلامی نیز بر پایه قالب‌هایی انجام می‌شود که بسیاری از ویژگی‌های حقوق شرکت مدرن را پذیرفته‌اند (Ghayth Abdulrahman Hammoud, 2024). از منظر فقهی، استمرار یک سیره عقلایی که منع شرعی مشخصی نسبت به آن وجود ندارد می‌تواند در شناسایی اعتبار چنین نهادی مؤثر باشد. پذیرش سیره، البته به معنای تأیید همه آثار هر ساختار اقتصادی نیست؛ بلکه هر اثر باید جداگانه از حیث عدم تعارض با قواعد مسلم شرعی بررسی شود.

عرف تجاری نیز در تعیین انتظارات طرفین اهمیت دارد. هنگامی که یک شخص با شرکت سهامی یا شرکت با مسئولیت محدود معامله می‌کند، نوع شرکت، سرمایه ثبت‌شده و حدود کلی مسئولیت شرکا برای او قابل شناسایی است. بنابراین، عرف تجاری رابطه‌ای ایجاد می‌کند که در آن طلبکار حرفه‌ای می‌داند طرف قرارداد وی شخصیت حقوقی شرکت است. بر این مبنا، پذیرش مسئولیت محدود را نمی‌توان لزوماً اضرار پنهانی به طلبکار دانست. البته این استدلال در مورد طلبکاران غیرارادی، مانند زیان‌دیدگان ناشی از برخی رفتارهای زیان‌بار شرکت، ضعیف‌تر است؛ زیرا آنان برخلاف طلبکار قراردادی فرصت انتخاب طرف معامله یا قیمت‌گذاری ریسک را نداشته‌اند. همین تفاوت می‌تواند در طراحی استثناهای مسئولیت محدود اهمیت یابد.

قاعده لاضرر مهم‌ترین محدودیت فقهی بر استفاده از مسئولیت محدود است. تحلیل تعارض قاعده لاضرر با الزام قراردادی نشان می‌دهد که الزام ناشی از توافق نمی‌تواند در همه شرایط بر منع اضرار غلبه کند (Anahid & Ghorbani, 2024). همچنین بررسی محدودیت آزادی قراردادی بر اساس لاضرر تأکید دارد که اختیار اشخاص در تنظیم روابط خصوصی در جایی که موجب تحمیل زیان ناروا شود محدود می‌گردد (Rezaei, 2026). ازاین‌رو، اگر صاحبان شرکت از استقلال شخصیت حقوقی برای خالی کردن شرکت از دارایی، انتقال صوری اموال، ایجاد بدهی با علم به ناتوانی در پرداخت یا فرار از تعهدات مسلم استفاده کنند، استناد آنان به مسئولیت محدود نمی‌تواند همان مشروعیت حالت

عادی را داشته باشد. در چنین مواردی مسئله دیگر «محدود بودن ریسک سرمایه‌گذاری» نیست، بلکه «استفاده زیان‌بار از یک سازمان حقوقی» مطرح است.

قاعده منع سوءاستفاده از حق نیز مؤید همین نتیجه است. مسئولیت مدنی ناشی از سوءاستفاده از حق در حقوق ایران و فرانسه نشان می‌دهد که اعمال ظاهری یک حق در صورتی که با هدف یا شیوه‌ای نامشروع و زیان‌بار صورت گیرد می‌تواند موجب مسئولیت شود (Jarfi et al., 2024). این منطق قابلیت انطباق مناسبی با مسئولیت محدود دارد. قانون‌گذار برای حمایت از سرمایه‌گذاری، مصونیت نسبی دارایی شخصی سهامدار را می‌پذیرد؛ اما هدف این حمایت، تشویق سرمایه‌گذاری مشروع است، نه تسهیل تقلب. اگر شخص از قالب شرکت فقط برای جدا کردن دارایی سودآور از بدهی‌ها یا محروم کردن بستانکاران از دسترسی به اموال استفاده کند، استفاده او با غایت عقلایی مسئولیت محدود فاصله می‌گیرد.

از سوی دیگر، قاعده احترام نیز در ارزیابی حقوق اشخاص ثالث اهمیت دارد. مال و حقوق مالی اشخاص دارای حرمت است و ساختار شرکت نباید به وسیله‌ای برای بی‌اعتنا شدن به آن تبدیل شود. کاربرد قاعده احترام در روابط خصوصی نشان می‌دهد که حفظ حقوق مالی اشخاص می‌تواند مبنایی برای حمایت حقوقی باشد (Ghaffari, 2023). از این منظر، مسئولیت محدود زمانی با عدالت فقهی سازگارتر است که سرمایه شرکت واقعی باشد، اطلاعات مالی اساسی پنهان نشود و شرکا یا مدیران به‌طور عمدی اموال شرکت را به زیان طلبکاران خارج نکنند.

تمایز میان مسئولیت شرکا و مسئولیت مدیران نیز از منظر فقهی ضروری است. مدیر ممکن است امین، وکیل یا نماینده شرکت تلقی شود و تا زمانی که در حدود اختیار و بدون تعدی و تفریط عمل می‌کند، آثار عمل او متوجه شرکت باشد؛ اما ارتکاب تقصیر، تخلف یا تجاوز از حدود اختیار می‌تواند وضعیت مسئولیت او را تغییر دهد. مطالعه تطبیقی مسئولیت مدیران در حقوق ایران و انگلستان بر تفکیک مسئولیت شرکت از مسئولیت شخص مدیر در موارد تخلف تأکید دارد (Eftekhari et al., 2025). تحلیل مدیران سایه نیز نشان می‌دهد که فقدان عنوان رسمی نباید مانع انتساب مسئولیت به شخصی شود که عملاً اعمال قدرت و کنترل می‌کند (Baranzehi et al., 2024). بنابراین، از دیدگاه فقهی نیز نمی‌توان مسئولیت محدود سهامداران را به معافیت اشخاص مباشر یا مسبب زیان از ضمان تبدیل کرد.

در گروه شرکت‌ها نیز معیار واقعیت اقتصادی و میزان کنترل اهمیت می‌یابد. شرکت مادر و تابع ممکن است از لحاظ حقوقی اشخاص جداگانه باشند، اما اگر شرکت مادر عملاً دارایی و تصمیم‌های شرکت تابع را به‌طور کامل کنترل کرده و از این استقلال برای اضرار استفاده کند، مسئله فقهی متفاوت خواهد شد. تحلیل شرکت‌های مادر و تابع در حقوق ایران و کامن‌لا نشان می‌دهد که جدایی حقوقی این شرکت‌ها در کنار واقعیت کنترل اقتصادی، یکی از دشوارترین مسائل مسئولیت شرکتی است (Baghernejad, 2023). نظریه عبور از حجاب شخصیت حقوقی نیز دقیقاً برای مواردی شکل گرفته است که جدایی رسمی شرکت‌ها با واقعیت رفتار اقتصادی ناسازگار می‌شود (Yaghoubi et al., 2024). از منظر قواعد فقهی، توجه به واقعیت رابطه و جلوگیری از تضییع حق می‌تواند مبنای مهمی برای کنار گذاشتن آثار ظاهری جدایی شخصیت‌ها باشد.

مصلحت عقلایی و نیازهای اقتصادی نیز در کنار سایر مبانی قابل بررسی است. مسئولیت نامحدود همه سهامداران در شرکت‌های بزرگ می‌تواند عملاً تشکیل بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی را دشوار کند. در شرکتی با هزاران سهامدار، اگر هر سهامدار نسبت به تمام بدهی‌ها مسئول باشد، میزان ریسک هر شخص با میزان مشارکت او تناسب نخواهد داشت و امکان ارزیابی عقلایی سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد. در

مقابل، تحدید ریسک امکان تجمیع سرمایه‌های کوچک و مشارکت طیف گسترده‌تری از اشخاص را فراهم می‌کند. مسئولیت محدود از این جهت دارای مصلحت اقتصادی قابل توجهی است، مشروط بر آنکه این مصلحت با قواعد منع ضرر و حمایت از حقوق اشخاص ثالث متوازن شود.

بر این اساس، تحلیل فقهی مسئولیت محدود به نتیجه‌ای میانه منتهی می‌شود. نه می‌توان صرفاً به دلیل فقدان عنوان آن در فقه کلاسیک، این نهاد را ناسازگار با فقه دانست و نه می‌توان هر نوع محدود کردن مسئولیت را بدون توجه به نتایج آن مشروع تلقی کرد. اعتبار توافق‌ها، سیره عقلا، عرف تجاری و امکان تعیین حدود تعهدات، مبانی پذیرش اصل را تقویت می‌کنند؛ در مقابل، لاضرر، احترام اموال، منع سوءاستفاده از حق و قواعد ضمان، مرزهای آن را تعیین می‌کنند. بنابراین، مسئولیت محدود در صورت شفاف بودن نوع شرکت، واقعی بودن سرمایه، رعایت حقوق اشخاص ثالث و نبود تقلب یا سوءاستفاده، قابلیت توجیه فقهی دارد، اما هنگامی که از قالب شرکت برای اضرار، فریب یا فرار از مسئولیت شخصی استفاده شود، مبانی فقهی حمایت از آن به‌شدت تضعیف می‌شود.

تحلیل اقتصادی اصل مسئولیت محدود و ارزیابی کارآمدی آن

تحلیل اقتصادی مسئولیت محدود از این پرسش آغاز می‌شود که این قاعده چگونه هزینه و ریسک فعالیت تجاری را میان سرمایه‌گذاران، مدیران، شرکت و طلبکاران توزیع می‌کند. مسئولیت محدود ریسک سرمایه‌گذار را از یک مقدار نامعین و بالقوه نامحدود به مقداری قابل برآورد تبدیل می‌کند. سرمایه‌گذار پیش از خرید سهم می‌تواند حداکثر زیان مستقیم ناشی از مالکیت سهم را در حدود سرمایه‌ای که وارد شرکت کرده است تخمین بزند. همین ویژگی موجب می‌شود اشخاصی که توان یا تمایل اداره مستقیم کسب‌وکار را ندارند بتوانند بخشی از دارایی خود را در شرکت‌ها سرمایه‌گذاری کنند. ساختار شرکت‌های سهامی عمومی و خصوصی اساساً برای جذب سرمایه از شمار بیشتری از اشخاص مناسب است (Ali Kazem, 2025). استقلال شخصیت شرکت نیز زیرساخت این امکان را فراهم می‌کند، زیرا حقوق و تعهدات شرکت بدون وابستگی دائم به تغییر هویت صاحبان سهام استمرار می‌یابد (Amini, 2025).

نخستین کارکرد اقتصادی مسئولیت محدود، تشویق سرمایه‌گذاری است. بدون این اصل، سرمایه‌گذار کوچک ممکن بود به دلیل خرید سهمی ناچیز در شرکتی بزرگ با بدهی‌هایی بسیار فراتر از ارزش سرمایه‌گذاری خود روبه‌رو شود. در چنین شرایطی شخص عقلایی ناچار بود پیش از خرید هر سهم، نه‌تنها عملکرد شرکت بلکه میزان دارایی شخصی سایر سهامداران و رفتار آنان را نیز ارزیابی کند، زیرا عدم توانایی سایر شرکا در پرداخت بدهی می‌توانست سهم بیشتری از مسئولیت را متوجه او کند. مسئولیت محدود این هزینه اطلاعاتی را کاهش می‌دهد و سبب می‌شود ارزش‌گذاری سهم بیش از آنکه به ثروت شخصی سهامداران دیگر وابسته باشد، به وضعیت خود شرکت بستگی پیدا کند. این ویژگی برای شکل‌گیری بازارهای گسترده سهام اهمیت بنیادین دارد.

کارکرد دوم، تسهیل تنوع‌بخشی به سرمایه‌گذاری است. سرمایه‌گذار می‌تواند به جای اختصاص همه دارایی خود به یک فعالیت، سرمایه را میان چند شرکت تقسیم کند. اگر مسئولیت وی در هر شرکت نامحدود باشد، تنوع ظاهری سبد سرمایه‌گذاری لزوماً ریسک را کاهش نمی‌دهد، زیرا شکست یکی از شرکت‌ها ممکن است تمام دارایی شخص را از بین ببرد. مسئولیت محدود رابطه میان سهم مالکیت و حداکثر زیان سرمایه‌گذار را روشن‌تر می‌کند و امکان مدیریت پرتفوی را فراهم می‌آورد. از منظر کلان، این وضعیت می‌تواند جریان سرمایه را به سمت فعالیت‌های متنوع‌تر هدایت کند و وابستگی اقتصاد به منابع مالی محدود و سنتی را کاهش دهد.

کارکرد سوم مسئولیت محدود کاهش برخی هزینه‌های معاملاتی است. اگر مسئولیت هر شریک به اعتبار شخصی و میزان ثروت سایر شرکا وابسته باشد، ورود و خروج شریک جدید مستلزم ارزیابی مجدد گسترده ریسک خواهد بود. در شرکت سهامی، انتقال سهم اصولاً شخصیت و تعهدات شرکت را تغییر نمی‌دهد و سرمایه‌گذار جدید در همان چارچوب حقوقی قبلی وارد می‌شود. این استانداردسازی باعث تسهیل مبادله سهام و افزایش نقدشوندگی سرمایه می‌شود. اصول حقوق تجارت داخلی نیز بر ضرورت ایجاد قواعد قابل پیش‌بینی برای فعالیت اقتصادی و معاملات تأکید دارند (Darabpour et al., 2023). قابلیت پیش‌بینی مسئولیت یکی از مهم‌ترین اجزای چنین محیطی است. مسئولیت محدود همچنین جدایی مالکیت از مدیریت را تسهیل می‌کند. صاحبان سرمایه لازم نیست همگی مدیر شرکت باشند و می‌توانند اداره امور را به مدیران حرفه‌ای واگذار کنند. بااین‌حال همین جدایی مسئله هزینه نمایندگی را ایجاد می‌کند؛ مدیر ممکن است تصمیم‌هایی اتخاذ کند که منافع شخصی او را بر منافع شرکت یا صاحبان سرمایه مقدم سازد. ساختار هیئت‌مدیره و نظام نظارت شرکتی برای کنترل همین مسئله اهمیت می‌یابد و مطالعه تطبیقی ساختار هیئت‌مدیره در ایران، آلمان و چین نشان می‌دهد که نحوه سازمان‌دهی ارکان نظارتی نقش مهمی در پاسخ‌گویی مدیران دارد (Abedini & Tarashion, 2024). بنابراین مسئولیت محدود زمانی کارآمدتر است که با حاکمیت شرکتی مؤثر همراه شود.

از سوی دیگر، محدود بودن ریسک سهامدار ممکن است انگیزه پذیرش ریسک بیش از حد را نیز افزایش دهد. اگر پروژه موفق شود، بخش اصلی سود نصیب سهامداران می‌شود، ولی اگر شکست بسیار بزرگی رخ دهد و بدهی شرکت از دارایی آن فراتر رود، بخشی از زیان ممکن است بر طلبکاران باقی بماند. این عدم تقارن می‌تواند صاحبان سرمایه را به انتخاب پروژه‌هایی با ریسک بیشتر سوق دهد. در اینجا مسئله «انتقال ریسک» از سهامدار به طلبکار مطرح می‌شود. به همین علت مسئولیت محدود باید با سازوکارهایی مانند الزامات سرمایه، افشای اطلاعات، وثایق قراردادی، قواعد ورشکستگی و مسئولیت اشخاص متقلب تکمیل شود.

طلبکاران قراردادی تا حدی می‌توانند خود را در برابر این ریسک حمایت کنند. بانک می‌تواند نرخ بهره را متناسب با ریسک تعیین کند، وثیقه بخواهد، شروط محدودکننده در قرارداد اعتباری قرار دهد یا اطلاعات مالی شرکت را بررسی کند. اما همه طلبکاران چنین قدرتی ندارند. کارکنان، مصرف‌کنندگان، طلبکاران کوچک و به‌ویژه اشخاصی که بدون رابطه قراردادی قبلی از فعالیت شرکت زیان می‌بینند، ممکن است نتوانند ریسک عدم وصول طلب را پیشاپیش قیمت‌گذاری کنند. مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها از همین منظر اهمیت پیدا می‌کند، زیرا فعالیت اقتصادی نباید تنها بر منافع سرمایه‌گذاران متمرکز شود و آثار آن بر سایر ذی‌نفعان نیز باید مورد توجه قرار گیرد (Fallah Hashjin, 2024). بررسی تطبیقی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در ایران، فرانسه، آلمان و هند نیز نشان می‌دهد که توجه به دامنه وسیع‌تری از ذی‌نفعان در سیاست حقوق شرکت‌ها رو به گسترش است (Soleymanzadeh et al., 2025).

یکی از خطرهای جدی، کم‌سرمایه‌گذاری عامدانه شرکت است. صاحبان یک فعالیت ممکن است شرکت را با سرمایه‌ای بسیار ناچیز تأسیس کنند، فعالیتی پرریسک را در آن متمرکز سازند و در صورت ایجاد بدهی‌های گسترده به مسئولیت محدود استناد کنند. از منظر اقتصادی، چنین وضعیتی هزینه واقعی فعالیت را از سرمایه‌گذاران به طلبکاران منتقل می‌کند و ممکن است تصمیم‌های ناکارا ایجاد کند. اگر فعالیتی تنها در صورتی سودآور به نظر برسد که بخشی از هزینه‌های آن بر اشخاص ثالث تحمیل شود، سود ظاهری آن معیار مناسبی برای کارایی اجتماعی نیست. ازاین‌رو، بررسی کفایت سرمایه و جلوگیری از انتقال صوری دارایی از عناصر لازم برای کارکرد صحیح مسئولیت محدود هستند.

گروه شرکت‌ها نمونه برجسته‌ای از امکان انتقال ریسک است. شرکت مادر می‌تواند فعالیت‌های پرریسک را در یک شرکت تابع دارای دارایی محدود متمرکز کند، در حالی که دارایی‌های ارزشمند در اشخاص حقوقی دیگر گروه نگهداری شوند. تحلیل حقوقی شرکت‌های مادر و تابع نشان می‌دهد که استقلال شخصیت هر شرکت در گروه، مسئله حمایت از طلبکاران را پیچیده می‌کند (Baghernejad, 2023). اگر جدایی شرکت‌ها همیشه بدون استثنا محترم شمرده شود، کنترل‌کننده گروه می‌تواند از مزایای اقتصادی فعالیت بهره‌مند شود ولی زیان‌های آن را در یک شرکت کم‌دارایی محصور کند. نظریه عبور از حجاب شخصیت حقوقی یکی از پاسخ‌های حقوقی به چنین رفتارهایی است (Yaghoubi et al., 2024).

از دیدگاه اقتصادی، عبور از شخصیت حقوقی باید استثنایی و قابل پیش‌بینی باشد. اگر دادگاه‌ها به‌سادگی و بدون معیار روشن مسئولیت محدود را کنار بگذارند، سرمایه‌گذاران دیگر نمی‌توانند حداکثر ریسک خود را محاسبه کنند و یکی از مزایای اصلی شرکت از بین می‌رود. در مقابل، اگر هیچ امکانی برای کنار زدن حجاب شخصیت وجود نداشته باشد، انگیزه سوءاستفاده افزایش می‌یابد. بنابراین، معیارهایی مانند اختلاط دارایی شخصی و شرکت، استفاده صوری از شرکت، تقلب، انتقال دارایی برای فرار از دین، سرمایه‌گذاری آشکارا ناکافی همراه با رفتار متقلبانه و کنترل کامل شرکت تابع می‌توانند در تعیین موارد استثنایی نقش داشته باشند. بررسی سوءاستفاده از حق نیز از حیث اقتصادی مهم است، زیرا اجازه استفاده زیان‌بار از امتیاز قانونی هزینه رفتار فرصت‌طلبانه را کاهش می‌دهد (Jarfi et al., 2024).

مسئولیت مدیران نیز مکمل اقتصادی ضروری مسئولیت محدود است. سهامدار غیرمدیر باید بتواند از مزیت محدود بودن ریسک سرمایه‌گذاری برخوردار باشد، اما مدیر نباید تصور کند که چون تعهد متعلق به شرکت است، هیچ مسئولیتی بابت تصمیم‌های خلاف قانون یا رفتار زیان‌بار ندارد. بررسی مسئولیت مدیران نشان می‌دهد که حقوق شرکت‌ها برای اقدامات خارج از حدود اختیار یا رفتارهای متخلفانه، امکان مسئولیت شخصی مدیر را می‌شناسد (Eftekhari et al., 2025). مسئولیت مدیران سایه نیز برای جلوگیری از فرار اشخاص کنترل‌کننده از پاسخ‌گویی اهمیت دارد (Baranzehi et al., 2024). قواعد مسئولیت مدیر در معاملات شرکت نیز همین ضرورت را دنبال می‌کنند (Zamiri Touli, 2024).

از منظر هزینه‌های نمایندگی، امکان معاف کردن مدیر از مسئولیت باید محدود باشد. اگر مدیر بتواند پیشاپیش خود را از همه پیامدهای تقصیر رها کند، انگیزه مراقبت کاهش می‌یابد. محدودیت شروط معافیت از مسئولیت مدیران از همین جهت اهمیت اقتصادی دارد (Fatemi Kanglou, 2026). هدف مطلوب آن نیست که مدیر از هر تصمیم ناموفق مسئول شناخته شود، زیرا چنین وضعیتی نیز او را به محافظه‌کاری مفرط سوق می‌دهد؛ بلکه باید میان ریسک تجاری مشروع و تقصیر مدیریتی تمایز ایجاد شود.

شفافیت نیز در کارایی مسئولیت محدود نقش تعیین‌کننده دارد. طلبکار وقتی می‌تواند ریسک خود را ارزیابی کند که اطلاعات اساسی درباره نوع شرکت، سرمایه، وضعیت مالی و ساختار کنترل آن در دسترس باشد. اگر سرمایه‌گذار از مسئولیت محدود برخوردار باشد ولی وضعیت مالی شرکت پنهان بماند، هزینه اطلاعاتی به طلبکار منتقل می‌شود. در مقابل، افشای مؤثر اطلاعات سبب می‌شود بازار بتواند ریسک شرکت را در نرخ بهره، قیمت قرارداد یا شرایط اعتبار منعکس کند. مسئولیت محدود در چنین فضایی نه وسیله فرار از مسئولیت، بلکه قاعده‌ای شفاف برای تخصیص پیشینی ریسک خواهد بود.

رقابت نیز با این مسئله ارتباط دارد. قواعد شرکتی باید امکان ورود و فعالیت بنگاه‌ها را تسهیل کنند، اما نباید به شرکت‌هایی که هزینه فعالیت خود را به دیگران منتقل می‌کنند مزیت مصنوعی بدهند. مبانی حقوقی و فقهی رقابت تجاری بر ضرورت تنظیم فعالیت اقتصادی در چارچوبی

عادلانه تأکید می‌کند (Alilou, 2023). شرکتی که با استفاده از مسئولیت محدود، هزینه واقعی خطرهای فعالیت خود را بر طلبکاران ناآگاه یا اشخاص ثالث تحمیل می‌کند ممکن است در ظاهر هزینه کمتری از رقیبی داشته باشد که ذخایر مالی و پوشش‌های لازم را فراهم کرده است. چنین وضعیتی رقابت را نیز مخدوش می‌کند.

از حیث امنیت سرمایه‌گذاری، اصل مسئولیت محدود مزیت آشکاری دارد. سرمایه‌گذار پیش از ورود به شرکت می‌تواند حدود ریسک حقوقی را بشناسد، سرمایه خود را در فعالیت‌های مختلف توزیع کند و بدون نیاز به نظارت روزانه بر همه تصمیم‌های شرکت در آن مشارکت داشته باشد. اما امنیت سرمایه‌گذاری صرفاً امنیت سهامدار نیست؛ طلبکار نیز برای ورود به معامله نیازمند اطمینان از اجرای قرارداد و دسترسی به سازوکارهای جبران است. بنابراین، امنیت مطلوب نتیجه تعادل میان ثبات مسئولیت محدود و ضمانت‌اجراهای مقابله با تقلب است.

از این منظر، ارزیابی اقتصادی نهایی نشان می‌دهد که مسئولیت محدود در حالت عادی نهادی کارآمد است، زیرا هزینه تجمیع سرمایه را کاهش می‌دهد، قابلیت انتقال سهم را افزایش می‌دهد، تنوع‌بخشی سرمایه‌گذاری را ممکن می‌سازد و زمینه جدایی مالکیت از مدیریت حرفه‌ای را فراهم می‌کند. بااین‌حال این کارایی مشروط است. اگر قواعد سرمایه، افشا، مسئولیت مدیران، مقابله با سوءاستفاده و حمایت از طلبکاران ضعیف باشند، مسئولیت محدود می‌تواند به مکانیزمی برای برون‌فکنی هزینه‌های فعالیت اقتصادی تبدیل شود. بنابراین بهترین سیاست حقوقی نه حذف مسئولیت محدود و نه مطلق کردن آن، بلکه حفظ قاعده همراه با طراحی استثناهای محدود، روشن و قابل پیش‌بینی است.

ارزیابی تلفیقی فقهی ـ اقتصادی و الزامات اصلاحی در حقوق شرکت‌های تجاری

پیوند تحلیل فقهی و اقتصادی نشان می‌دهد که مشروعیت و کارایی مسئولیت محدود دو مسئله جدا از یکدیگر نیستند. بسیاری از مبانی فقهی که پذیرش این نهاد را ممکن می‌کنند، مانند اعتبار توافق‌های مشروع، سیره عقلا و عرف تجاری، دقیقاً در محیطی معنا پیدا می‌کنند که ساختار مسئولیت برای اشخاص روشن و قابل پیش‌بینی باشد. از سوی دیگر، قواعد محدودکننده‌ای مانند لاضرر، منع سوءاستفاده و احترام حقوق دیگران نیز با نگرانی‌های اقتصادی درباره انتقال ناموجه ریسک و برون‌فکنی هزینه‌ها همسو هستند. بنابراین، می‌توان از یک چارچوب تلفیقی سخن گفت که در آن مسئولیت محدود به‌عنوان قاعده پذیرفته می‌شود، اما اعتبار عملی آن وابسته به رعایت شرایطی است که هم عدالت معاملاتی و هم کارایی اقتصادی را حفظ کنند.

نخستین شرط، شفافیت وضعیت حقوقی شرکت است. شخصی که با شرکت معامله می‌کند باید بتواند نوع شرکت و حدود مسئولیت صاحبان سرمایه را تشخیص دهد. اگر نوع شرکت به‌درستی اعلام شود، طلبکار قراردادی می‌تواند تصمیم خود را با علم به محدود بودن مسئولیت سهامداران اتخاذ کند. در چنین شرایطی استناد شریک به حدود قانونی مسئولیت، به معنای نقض تعهدی که قبلاً پذیرفته بوده نیست. اهمیت اعتبار توافق‌ها در فقه و حقوق قراردادها نیز نشان می‌دهد که آگاهی و تعیین روشن حدود رابطه در ارزیابی آثار الزام‌آور آن نقش اساسی دارد (Fatin Azar, 2024). در مقابل، پنهان کردن نوع شرکت یا ایجاد تصور نادرست درباره ضمانت شخصی شرکا می‌تواند مبنای اخلاقی و حقوقی حمایت از مسئولیت محدود را تضعیف کند.

شرط دوم، واقعی بودن جدایی دارایی شرکت و شرکا است. استقلال شخصیت حقوقی زمانی قابل دفاع است که در عمل نیز شرکت حساب، دارایی، قراردادها و تصمیم‌های مالی مستقل داشته باشد. نظریه شخصیت واقعی شرکت بر همین سازمان‌یافتگی و استقلال تأکید دارد (Amini, 2025). اگر صاحب کنترل هر زمان که بخواهد دارایی شرکت را مانند مال شخصی برداشت کند، هزینه‌های شخصی را از حساب شرکت بپردازد یا اموال را بدون مبنای اقتصادی میان شرکت و خود جابه‌جا کند، استناد بعدی او به استقلال شرکت تناقض‌آمیز خواهد بود. در چنین

شرایطی، عبور از شخصیت حقوقی نه نفی اصل استقلال شرکت، بلکه نتیجه عدم رعایت همان استقلال توسط شخص کنترل‌کننده است (Yaghoubi et al., 2024).

شرط سوم، جلوگیری از استفاده از مسئولیت محدود برای تقلب یا اضرار است. قاعده لاضرر نمی‌پذیرد که آزادی اشخاص در سازمان‌دهی روابط خصوصی به ابزاری برای تحمیل زیان ناروا تبدیل شود (Rezaei, 2026). همین منطق در نظریه سوءاستفاده از حق نیز مشاهده می‌شود (Jarfi et al., 2024). بنابراین، اگر شرکت با هدف فرار از دین تأسیس شده یا دارایی آن به‌طور صوری به اشخاص وابسته منتقل شود، حمایت عادی ناشی از مسئولیت محدود نباید به‌صورت مکانیکی اعمال گردد. این استثنا باید ناظر به رفتار مشخص و قابل اثبات باشد، نه اینکه هر شکست تجاری را قرینه تقلب تلقی کند.

تمایز شکست اقتصادی از سوءاستفاده اهمیت ویژه‌ای دارد. یکی از اهداف مسئولیت محدود آن است که سرمایه‌گذار بتواند در فعالیت‌های اقتصادی دارای ریسک واقعی مشارکت کند. اگر صرف ورشکستگی شرکت موجب مسئولیت شخصی سهامداران شود، اصل مزبور عملاً بی‌اثر خواهد شد. بازار و فعالیت اقتصادی ذاتاً با احتمال شکست همراه‌اند و حقوق نباید سرمایه‌گذار را بابت هر زیان تجاری مجازات کند. آنچه باید موجب کنار گذاشتن حمایت شود رفتار فرصت‌طلبانه، تقلب، اختلاط عمدی دارایی‌ها، انتقال متقلبانه اموال یا نقض تعهد شخصی مستقل است.

شرط چهارم، تقویت مسئولیت اشخاصی است که واقعاً تصمیم می‌گیرند. ممکن است سهامداران پراکنده هیچ دخالتی در مدیریت نداشته باشند، ولی مدیر رسمی یا شخصی که در سایه بر تصمیم‌ها حاکم است عملاً سیاست شرکت را تعیین کند. مسئول شناختن سهامدار منفعل و معاف کردن کنترل‌کننده واقعی با منطق عدالت و کارایی سازگار نیست. تحلیل مدیر سایه نشان می‌دهد که حقوق شرکت‌ها می‌تواند فراتر از عناوین رسمی به واقعیت اعمال کنترل توجه کند (Baranzehi et al., 2024). مطالعه مسئولیت مدیران در ایران و انگلستان نیز ضرورت پاسخ‌گویی مدیر در برابر تخلفات شخصی را برجسته می‌کند (Eftekhari et al., 2025). در نتیجه، اصلاح نظام مسئولیت باید بر شخصی متمرکز باشد که تصمیم زیان‌بار را اتخاذ یا هدایت کرده است.

شرط پنجم، تنظیم دقیق روابط در گروه شرکت‌ها است. وجود چند شخصیت حقوقی مستقل نباید به صاحبان کنترل امکان دهد سود و دارایی را در یک واحد و بدهی و خطر را در واحد دیگر متمرکز کنند. بررسی شرکت‌های مادر و تابع نشان می‌دهد که خلأ مقررات روشن در این زمینه می‌تواند تشخیص حدود مسئولیت را دشوار سازد (Baghernejad, 2023). راه‌حل مناسب، مسئولیت خودکار شرکت مادر نسبت به همه دیون شرکت تابع نیست، زیرا چنین قاعده‌ای مزایای تفکیک فعالیت‌ها را از بین می‌برد. در مقابل، باید معیارهای مشخصی برای موارد سوءاستفاده از کنترل، اختلاط دارایی، دستور زیان‌بار شرکت مادر و ایجاد صوری شرکت تابع پیش‌بینی شود.

شرط ششم، حمایت متناسب از طلبکاران است. طلبکار حرفه‌ای ممکن است ابزارهای قراردادی کافی برای حفاظت از خود داشته باشد، اما طلبکار ضعیف یا غیرارادی چنین امکانی ندارد. ازاین‌رو یک الگوی واحد برای همه طلبکاران ممکن است مطلوب نباشد. حمایت ویژه از برخی طلبکاران می‌تواند از طریق بیمه اجباری در فعالیت‌های پرخطر، الزامات سرمایه‌ای، اولویت‌های قانونی یا مسئولیت مستقیم عامل زیان تحقق یابد. مسئولیت اجتماعی شرکت نیز تأکید می‌کند که شرکت علاوه بر سهامداران با مجموعه گسترده‌ای از ذی‌نفعان ارتباط دارد (Soleymanzadeh et al., 2025). توجه به این ذی‌نفعان نباید به حذف مسئولیت محدود منجر شود، بلکه باید قواعد مکمل آن را تقویت کند.

شرط هفتم، بهبود افشای اطلاعات است. مسئولیت محدود زمانی عادلانه‌تر و کارآمدتر است که طلبکار بتواند درباره وضعیت شرکت اطلاعات معقولی داشته باشد. افشای صورت‌های مالی، سرمایه، اشخاص کنترل‌کننده و معاملات مهم با اشخاص وابسته، عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش می‌دهد. ساختار هیئت‌مدیره و سازوکارهای نظارتی نیز در کیفیت افشا و کنترل تصمیم‌های مدیران اثرگذارند (Abedini & Tarashion, 2024). اگر نظام افشا ضعیف باشد، صاحبان شرکت از مزیت مسئولیت محدود بهره‌مند می‌شوند در حالی که اشخاص ثالث ابزار کافی برای قیمت‌گذاری ریسک ندارند.

شرط هشتم، تفکیک مسئولیت ناشی از سرمایه‌گذاری از مسئولیت ناشی از رفتار شخصی است. مدیر یا سهامداری که شخصاً ضمانت داده، مرتکب تقلب شده یا مستقیماً موجب زیان شده است نباید بتواند به صرف عضویت در شرکت از مسئولیت بگریزد. تحلیل حقوقی معاملات مدیران نشان می‌دهد که مسئولیت شخصی آنان در برخی وضعیت‌ها مستقل از مسئولیت شرکت قابل طرح است (Zamiri Touli, 2024). همچنین شروط معافیت مدیران باید دارای مرزهای روشن باشند تا نتوانند رفتارهای شدیداً متخلفانه را بدون پاسخ باقی بگذارند (Fatemi Kanglou, 2026). این تفکیک موجب می‌شود مسئولیت محدود در جایگاه واقعی خود، یعنی حمایت از ریسک سرمایه‌گذاری، باقی بماند.

در حوزه تقنینی، یکی از نیازهای اصلی حقوق ایران ایجاد معیارهای روشن‌تر برای استثناهای مسئولیت محدود است. ابهام بیش از حد دو پیامد منفی دارد. اگر استثناها بسیار محدود یا نامشخص باشند، اشخاص فرصت‌طلب می‌توانند با اطمینان از جدایی کامل شخصیت شرکت سوءاستفاده کنند. اگر دادگاه‌ها اختیار بسیار گسترده و بدون معیار داشته باشند، سرمایه‌گذار نمی‌تواند حدود ریسک خود را پیش‌بینی کند. بنابراین، قانون باید مصادیق اصلی سوءاستفاده را با انعطاف کافی اما در چارچوب معیارهای قابل سنجش مشخص کند. مطالعه آثار عبور از حجاب شخصیت حقوقی در ایران و آمریکا می‌تواند در روشن کردن چنین معیارهایی مفید باشد (Yaghoubi et al., 2024).

از منظر فقهی نیز تصریح قانونی به این معیارها می‌تواند ابهام را کاهش دهد. هنگامی که مسئولیت محدود بر پایه عرف عقلایی و نظم قانونی پذیرفته می‌شود، روشن بودن حدود آن اهمیت ویژه‌ای دارد. طرف قرارداد باید بداند در حالت عادی با چه شخصی طرف است و در چه شرایط استثنایی می‌تواند به اشخاص پشت شرکت رجوع کند. چنین شفافیتی با اصل وفای به تعهد و جلوگیری از غرر و اضرار سازگارتر است. قاعده لاضرر نیز در این چارچوب نه برای حذف اصل مسئولیت محدود، بلکه برای مقابله با نتایج غیرعادلانه ناشی از سوءاستفاده به کار گرفته می‌شود (Anahid & Ghorbani, 2024).

در نهایت، تحلیل تلفیقی نشان می‌دهد که مسئولیت محدود را باید بخشی از یک بسته نهادی دانست. شخصیت حقوقی مستقل، تفکیک دارایی، قواعد سرمایه، مسئولیت مدیران، افشای اطلاعات، کنترل معاملات اشخاص وابسته، حمایت از طلبکاران و امکان عبور استثنایی از حجاب شخصیت حقوقی همگی اجزای مکمل هستند. حذف هر یک از این عناصر می‌تواند تعادل سیستم را برهم زند. مسئولیت محدود بدون شفافیت ممکن است به فرصت‌طلبی منتهی شود؛ افشا بدون ضمانت اجرا بی‌اثر است؛ مسئولیت مدیران بدون استقلال شرکت می‌تواند ریسک مدیریت را بیش از حد افزایش دهد؛ و عبور گسترده از شخصیت حقوقی نیز انگیزه سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد. سیاست حقوقی مطلوب باید به جای انتخاب میان حمایت مطلق از سرمایه‌گذار یا حمایت مطلق از طلبکار، ساختاری ایجاد کند که هزینه رفتار پرخطر یا متقلبانه را بر تصمیم‌گیرنده واقعی تحمیل و در عین حال سرمایه‌گذار عادی را از ریسک نامحدود مصون نگه دارد.

نتیجه‌گیری

اصل مسئولیت محدود شرکا یکی از عناصر بنیادین سازمان حقوقی شرکت‌های تجاری سرمایه‌محور است و بدون درک رابطه آن با شخصیت حقوقی مستقل، استقلال دارایی شرکت و نحوه توزیع ریسک اقتصادی نمی‌توان ماهیت و کارکرد آن را به‌درستی تحلیل کرد. مسئولیت محدود بر این مبنا استوار است که شرکت پس از تشکیل، دارنده مستقل حقوق و تعهدات خود محسوب شود و دارایی آن نخستین منبع پاسخ‌گویی به بستانکاران باشد. در نتیجه، شریک یا سهامدار صرفاً به دلیل عضویت در شرکت، مسئول تمامی دیون آن نیست و ریسک مالی ناشی از مشارکت او در حالت عادی به میزان سرمایه‌ای که وارد شرکت کرده یا تعهد نموده است محدود می‌شود. این محدودیت نه به معنای نبود مسئولیت و نه به معنای ایجاد مصونیتی شخصی برای هر نوع رفتار صاحبان سرمایه است؛ بلکه صرفاً حدود مسئولیت ناشی از سرمایه‌گذاری را تعیین می‌کند.

از منظر فقهی، فقدان اصطلاح مستقل مسئولیت محدود در منابع سنتی فقه امامیه مانع از تحلیل یا پذیرش آن نیست. ساختار شرکت‌های تجاری مدرن اساساً با بسیاری از قالب‌های تاریخی شرکت تفاوت دارد و نمی‌توان مشروعیت همه نهادهای آن را تنها از طریق تطبیق لفظی با عقود شناخته‌شده سنتی تعیین کرد. قواعد عمومی فقهی ظرفیت آن را دارند که درباره نهادهای اقتصادی نوپدید به کار گرفته شوند. اعتبار قراردادها و توافق‌های مشروع، امکان تعیین حدود تعهدات، عرف تجاری، سیره عقلا و مصالح عقلایی ناشی از سازمان‌دهی فعالیت اقتصادی می‌توانند مبانی مهمی برای پذیرش مسئولیت محدود فراهم کنند. هنگامی که نوع شرکت، میزان سرمایه و حدود مسئولیت شرکا از آغاز روشن است و شخص ثالث با آگاهی از این وضعیت با شرکت وارد رابطه می‌شود، محدود بودن مسئولیت شریک را نمی‌توان به‌خودی‌خود فرار از دین یا تضییع حق تلقی کرد.

در عین حال، قواعد فقهی مانع از تبدیل مسئولیت محدود به امتیازی مطلق می‌شوند. منع اضرار، احترام حقوق مالی اشخاص و عدم مشروعیت استفاده زیان‌بار یا متقلبانه از حقوق، اقتضا می‌کند که حمایت از شریک در جایی که شخصیت حقوقی وسیله‌ای برای تقلب، اختفای دارایی، انتقال صوری اموال یا محروم کردن عمدی طلبکاران از حقوقشان شده است محدود شود. بنابراین، قابلیت توجیه فقهی مسئولیت محدود وابسته به کارکرد مشروع آن است. ساختاری که برای تجمیع سرمایه، تقسیم عقلایی ریسک و اداره مستقل فعالیت اقتصادی ایجاد شده است از ساختاری که صرفاً برای پنهان کردن دارایی یا انتقال زیان به اشخاص ثالث استفاده می‌شود ماهیتی متفاوت دارد.

تحلیل اقتصادی نیز نشان داد که مسئولیت محدود نقش مهمی در کاهش هزینه ورود به سرمایه‌گذاری، امکان تنوع‌بخشی سبد دارایی، تجمیع سرمایه‌های خرد، تسهیل انتقال سهام و گسترش فعالیت شرکت‌های بزرگ دارد. در نبود این اصل، هر سرمایه‌گذار ناچار بود علاوه بر ارزیابی عملکرد شرکت، توانایی مالی و رفتار سایر شرکا را نیز بررسی کند و حتی یک سرمایه‌گذاری کوچک می‌توانست کل دارایی شخصی او را در معرض خطر قرار دهد. چنین وضعیتی مانعی جدی برای شکل‌گیری بازار گسترده سرمایه و مشارکت سرمایه‌گذاران غیرمدیر محسوب می‌شد. مسئولیت محدود با قابل اندازه‌گیری کردن حداکثر ریسک سرمایه‌گذار، هزینه اطلاعات و نظارت را کاهش می‌دهد و سرمایه را به سمت فعالیت‌های متنوع‌تر هدایت می‌کند.

بااین‌حال، همین محدود شدن ریسک می‌تواند زمینه برخی ناکارایی‌ها را نیز فراهم کند. هنگامی که سهامدار از سود فعالیت پرخطر بهره می‌برد ولی حداکثر زیان او محدود است، ممکن است بخشی از هزینه شکست شرکت به طلبکاران یا سایر اشخاص منتقل شود. این مسئله به‌ویژه در مورد شرکت‌های دارای سرمایه اندک، فعالیت‌های پرخطر، گروه شرکت‌ها و طلبکاران غیرارادی اهمیت بیشتری دارد. ازاین‌رو، کارایی

مسئولیت محدود به وجود قواعد مکمل وابسته است. افشای اطلاعات، تأمین واقعی سرمایه، جدایی دارایی شرکت و شرکا، مسئولیت مدیران، نظارت بر معاملات اشخاص وابسته، حمایت از طلبکاران و امکان کنار گذاشتن استثنایی شخصیت حقوقی در موارد سوءاستفاده، اجزای ضروری نظامی هستند که می‌خواهد هم از سرمایه‌گذاری حمایت کند و هم هزینه رفتار فرصت‌طلبانه را کاهش دهد.

یکی از نتایج مهم پژوهش آن است که باید میان شکست تجاری مشروع و سوءاستفاده از شرکت تفاوتی روشن برقرار شود. فعالیت اقتصادی همواره با احتمال زیان همراه است و مسئولیت محدود دقیقاً برای آن ایجاد شده است که صاحبان سرمایه بتوانند ریسک‌های تجاری متعارف را بدون قرار دادن تمام دارایی شخصی خود در معرض خطر بپذیرند. بنابراین، ورشکستگی، کاهش سود یا شکست یک پروژه به‌تنهایی نباید دلیلی برای مسئول شناختن سهامداران باشد. در مقابل، هنگامی که شخص کنترل‌کننده از شرکت به‌صورت صوری استفاده کرده، دارایی آن را با هدف فرار از تعهدات منتقل نموده، اموال شخصی و شرکتی را عمداً مخلوط کرده یا شرکت را ابزاری برای تقلب قرار داده است، مبنای حمایت از مسئولیت محدود از بین می‌رود.

همچنین باید میان مسئولیت صاحبان سرمایه و مسئولیت اشخاصی که تصمیم‌های مدیریتی را اتخاذ می‌کنند تمایز قائل شد. سهامدار کوچک و غیرمدیری که تنها سرمایه‌ای در شرکت قرار داده است نباید به دلیل تخلف مدیر با مسئولیت نامحدود مواجه شود. در مقابل، مدیر، مدیر سایه، سهامدار کنترل‌کننده یا شرکت مادری که مستقیماً رفتار زیان‌بار را هدایت کرده است نباید بتواند صرفاً با استناد به شخصیت حقوقی مستقل از پاسخ‌گویی فرار کند. معیار مسئولیت باید تا حد امکان به رفتار، کنترل و سببیت واقعی نزدیک شود. چنین رویکردی هم با عدالت سازگارتر است و هم انگیزه‌های اقتصادی را به شکل صحیح‌تری تنظیم می‌کند.

در گروه شرکت‌ها، ضرورت این تفکیک آشکارتر است. اصل استقلال شخصیت هر شرکت باید حفظ شود، زیرا گروه‌های شرکتی امکان تفکیک فعالیت‌ها، جذب سرمایه و مدیریت مؤثرتر کسب‌وکار را فراهم می‌کنند. بااین‌حال، استقلال حقوقی نباید پوششی برای انتقال سازمان‌یافته بدهی‌ها به شرکت‌های فاقد دارایی کافی باشد. قانون باید بتواند میان ساختار مشروع گروه و ساختار صوری یا متقلبانه تفاوت قائل شود. مسئولیت خودکار شرکت مادر نسبت به همه تعهدات شرکت تابع افراطی است و مزایای جدایی شخصیت‌ها را از بین می‌برد، اما مصونیت مطلق شرکت مادر نیز می‌تواند زمینه سوءاستفاده را فراهم سازد. معیارهای روشن درباره کنترل، اختلاط دارایی، انتقال زیان‌بار اموال و دستور مستقیم به رفتار متخلفانه می‌توانند تعادل مناسب‌تری ایجاد کنند.

برآیند تحلیل فقهی و اقتصادی نشان می‌دهد که اصل مسئولیت محدود نه‌تنها با مبانی فقه امامیه قابل جمع است، بلکه در اقتصاد مبتنی بر شرکت‌های سرمایه‌محور دارای کارکردی ضروری است؛ اما این پذیرش باید مشروط و نظام‌مند باشد. حمایت از سرمایه‌گذار هنگامی مشروع و کارآمد است که سرمایه‌گذاری واقعی صورت گرفته باشد، نوع شرکت برای اشخاص ثالث روشن باشد، دارایی شرکت از دارایی شخصی شرکا جدا بماند و از ساختار شرکت برای اضرار یا تقلب استفاده نشود. در مقابل، هرجا شخص حقوقی به ابزاری برای فرار از تعهد، تضییع حقوق دیگران یا انتقال مصنوعی ریسک تبدیل شود، حمایت از مسئولیت محدود باید متناسب با رفتار واقعی اشخاص بازنگری شود.

بر این اساس، اصلاح حقوق شرکت‌های تجاری ایران باید به جای کنار گذاشتن اصل مسئولیت محدود، بر تقویت زیرساخت‌های اجرای صحیح آن متمرکز شود. تصریح روشن‌تر به استقلال دارایی شرکت، تعیین ضوابط مربوط به حفظ سرمایه، ارتقای شفافیت مالی، توسعه قواعد مربوط به اشخاص وابسته، تعریف دقیق‌تر مسئولیت مدیران و اشخاص کنترل‌کننده و تعیین معیارهای مشخص برای عبور استثنایی از حجاب شخصیت حقوقی می‌تواند ابهام‌های موجود را کاهش دهد. همچنین ضروری است میان طلبکاران حرفه‌ای و طلبکارانی که قدرت ارزیابی یا

مذاکره درباره ریسک ندارند تفاوت گذاشته شود و برای فعالیت‌هایی که احتمال ورود زیان گسترده به اشخاص ثالث دارند سازوکارهایی مانند بیمه، تضمین یا الزامات سرمایه‌ای متناسب پیش‌بینی شود.

در نهایت، مسئولیت محدود را باید سازوکاری برای توزیع عقلایی ریسک دانست، نه ابزاری برای حذف مسئولیت. کارکرد مطلوب این اصل زمانی تحقق می‌یابد که سرمایه‌گذار بتواند با اطمینان از حدود ریسک خود وارد فعالیت اقتصادی شود، طلبکار بتواند وضعیت حقوقی و مالی شرکت را ارزیابی کند، مدیر و کنترل‌کننده واقعی در برابر رفتار متخلفانه پاسخ‌گو باشند و دادگاه نیز تنها در موارد روشن و استثنایی استقلال شخصیت شرکت را کنار بگذارد. چنین الگویی می‌تواند میان اقتضائات فقه امامیه، عدالت معاملاتی، حمایت از حقوق اشخاص ثالث و نیازهای اقتصاد مدرن تعادل برقرار سازد و مسئولیت محدود را از یک امتیاز صرف برای صاحبان سرمایه به نهادی متوازن در خدمت سرمایه‌گذاری، امنیت حقوقی و کارایی اقتصادی تبدیل کند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافعی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

Commercial companies constitute one of the most important legal mechanisms for organizing collective economic activity, aggregating capital, distributing risk, and ensuring continuity in large-scale commercial operations. Within this institutional framework, the principle of shareholders' limited liability occupies a central position because it defines the extent to which investors may be held financially responsible for corporate obligations. Under this principle, shareholders or partners in capital-based companies are generally liable only to the extent of the capital they have contributed or undertaken to contribute, while the company itself, as an independent legal person, remains the principal debtor toward its creditors. This legal separation is closely connected to the recognition of corporate legal personality, because the existence of an independent corporate person makes it possible to distinguish corporate assets, liabilities, and obligations from the personal property and obligations of shareholders. The theory of the real legal personality of corporations provides an important conceptual basis for understanding the company as more than a mere aggregation of individuals and instead as an autonomous legal organization capable of holding rights and assuming obligations in its own name (Amini, 2025). The same institutional logic is evident in public and private joint-stock companies, where the continuity of the company does not depend on the continued presence of particular shareholders and where transferability of shares is facilitated precisely because the company is legally distinct from its owners (Ali Kazem, 2025). Nevertheless, limited liability should not be interpreted as an absolute privilege or as a complete exemption from responsibility, because it is designed to regulate investment risk rather than to protect fraud, abusive conduct, or deliberate injury to third parties. The legal effects of piercing the corporate veil demonstrate that where corporate personality is abused, the formal separation between the company and those controlling it may be disregarded under exceptional circumstances (Yaghoubi et al., 2024). Accordingly, the central problem addressed in this study is whether limited liability can be justified

simultaneously from the perspective of Imami jurisprudence and economic efficiency, and, if so, under what conditions its protection should be limited in order to preserve the legitimate rights of creditors and other affected parties.

From a jurisprudential perspective, the principal difficulty arises from the fact that the contemporary concept of limited liability did not exist as an autonomous institution in classical Imami jurisprudence. Traditional discussions of partnership focused primarily on direct participation in common property, profit, loss, agency, and responsibility among partners, and therefore differ significantly from the organizational structure of modern capital companies. Jurisprudential and legal studies of civil partnership demonstrate that traditional partnership relationships were constructed around the direct relationship between partners and jointly owned property rather than around an independent corporate entity (Valaviyoun & Najafzadeh, 2022). Likewise, disagreements concerning the validity and invalidity of mufawada partnerships in different Islamic schools reveal that Islamic jurisprudence has historically distinguished between different forms of partnership and has not treated all structures of shared economic activity identically (Hakimi Sadr & Aziz, 2023). For this reason, the absence of a classical term equivalent to “limited liability” cannot in itself constitute sufficient evidence of incompatibility with Islamic law. Instead, the legitimacy of this principle must be assessed through general jurisprudential rules capable of governing new forms of economic organization. One of the most important of these is the binding force of valid agreements. Comparative analysis of contractual binding force in Imami jurisprudence, Iranian law, and French law shows that lawful and valid commitments are generally binding so long as they do not conflict with mandatory norms or superior legal principles (Fatin Azar, 2024). Therefore, if the legal structure of a company clearly defines the extent of shareholders’ commitments and third parties enter into transactions with knowledge of that structure, the limitation of shareholder liability may be regarded as part of the original legal framework of the transaction rather than as a subsequent attempt to evade responsibility. At the same time, the jurisprudential legitimacy of such limitation cannot be detached from rules preventing unjust harm. The no-harm principle is capable of restricting contractual or organizational freedom when its exercise produces illegitimate injury to others (Anahid & Ghorbani, 2024), and contemporary analysis of the same rule confirms that contractual freedom is not unlimited where its exercise results in unjustifiable harm (Rezaei, 2026). Thus, limited liability may be jurisprudentially defensible in ordinary commercial activity, while losing its legitimacy where it becomes a mechanism for concealment of assets, fraudulent transfers, evasion of debts, or intentional injury to creditors.

The jurisprudential analysis becomes more precise when limited liability is distinguished from complete immunity. A shareholder is not ordinarily responsible for all corporate debts merely because of ownership of shares, but personal responsibility may arise independently from fraudulent conduct, abuse of rights, direct causation of harm, or participation in unlawful acts. The doctrine of abuse of rights is particularly relevant because it shows that the formal possession of a legal entitlement does not justify every manner of exercising it (Jarfi et al., 2024). Applied to corporate law, this means that reliance on limited liability remains legitimate only where the corporate structure is used for its proper commercial function rather than as an instrument of deception or oppression. Similar reasoning may be developed from the jurisprudential rule of respect for property and legally protected interests, which emphasizes that private rights should not be disregarded without a valid legal or jurisprudential basis (Ghaffari, 2023). The jurisprudential problem is therefore not whether shareholders may ever limit their liability, but rather whether the institutional conditions under which such limitation operates preserve the rights of other parties. This distinction

is reinforced by jurisprudential analysis of guarantee clauses in mudaraba and civil partnership, which shows that the allocation of risk and liability may be contractually structured only insofar as it remains compatible with the nature of the legal relationship and does not violate mandatory jurisprudential requirements (Gholamalizadeh et al., 2024). In this respect, limited liability should not be conceptualized as a contractual waiver of a pre-existing unlimited obligation; rather, in capital companies the shareholder's obligation is defined from the outset in accordance with the legal nature of the company. Moreover, the distinction between shareholder liability and managerial liability is fundamental. Comparative studies of directors' civil liability indicate that directors may incur personal liability where they act unlawfully, exceed their authority, or breach their duties, notwithstanding the separate legal personality of the company (Eftekhari et al., 2025). Similarly, the concept of shadow directors reflects the need to impose responsibility on persons who exercise real control without holding a formal position (Baranzehi et al., 2024). Therefore, a jurisprudentially coherent approach to limited liability must preserve the protection of passive investors while ensuring that those who personally cause harm, manipulate the company, or exercise abusive control remain accountable.

From an economic perspective, limited liability plays a major role in reducing the cost of investment and increasing the efficiency of corporate organization. Its most important function is to transform an uncertain and potentially unlimited personal risk into a measurable financial exposure. A shareholder can determine in advance the maximum direct loss associated with an investment and can therefore participate in commercial ventures without placing all personal assets at risk. This feature encourages participation in large-scale companies and facilitates the aggregation of dispersed capital. The structure of joint-stock companies is particularly dependent on this mechanism because their ability to attract numerous investors would be substantially reduced if every shareholder were exposed to the entire debt burden of the company (Ali Kazem, 2025). Limited liability also lowers information costs. In a system of unlimited shareholder liability, each investor would need to assess not only the business prospects of the company but also the financial capacity and behavior of other shareholders, because their inability to meet obligations could affect the investor's own exposure. By contrast, limited liability allows corporate risk to be assessed primarily through the financial condition of the company itself. The legal principles of commercial transactions support this need for predictability and institutional clarity (Darabpour et al., 2023). In addition, limited liability facilitates diversification because investors may allocate resources across several companies without risking their entire personal wealth through failure of a single enterprise. It also promotes transferability of shares, market liquidity, and the separation of ownership from management. However, these benefits are accompanied by a potential externalization of risk. Shareholders may enjoy the upside of high-risk activities while part of the downside is transferred to creditors when corporate assets are insufficient. This problem is particularly serious where the company is intentionally undercapitalized, where creditors lack bargaining power, or where third parties become involuntary creditors. Corporate social responsibility therefore becomes relevant because companies operate within a network of interests extending beyond shareholders alone (Fallah Hashjin, 2024), and comparative analysis of corporate social responsibility likewise reflects a broader trend toward recognizing the legitimate interests of multiple stakeholders (Soleymanzadeh et al., 2025).

The economic evaluation of limited liability also requires attention to corporate groups, managerial incentives, transparency, and creditor protection. In groups of companies, a parent corporation may exercise extensive control over a subsidiary while formally relying on the subsidiary's separate legal

personality to isolate risk. Legal analysis of parent and subsidiary companies in Iranian and common-law systems demonstrates that the tension between formal legal separation and actual economic control creates significant difficulties in allocating responsibility (Baghernejad, 2023). If corporate separateness is respected without exception, a controlling company may concentrate risky activities and liabilities in an undercapitalized subsidiary while retaining valuable assets elsewhere in the group. For this reason, piercing the corporate veil may function as a corrective mechanism where the corporate form is used abusively (Yaghoubi et al., 2024). Yet from an economic standpoint, veil piercing must remain exceptional and predictable, because excessive judicial disregard of legal personality would destroy the certainty that limited liability is intended to provide. The same balance is required in relation to directors. Directors should not be personally responsible for every unsuccessful business decision, because excessive exposure would encourage extreme risk aversion and discourage professional management. At the same time, personal accountability remains necessary where directors violate legal duties, act outside their authority, or engage in misconduct (Zamiri Touli, 2024). Restrictions on clauses exempting directors from liability are therefore economically justified where such clauses would otherwise weaken incentives for careful management (Fatemi Kanglou, 2026). Effective corporate governance is another essential complement to limited liability, and comparative analysis of board structures demonstrates that the design of supervisory and managerial bodies affects accountability and corporate control (Abedini & Tarashion, 2024). Thus, the efficiency of limited liability depends not on the rule alone but on a wider institutional framework consisting of real asset separation, adequate disclosure, managerial responsibility, rules on related-party transactions, protection of creditors, and narrowly defined exceptions for abuse.

In conclusion, the principle of limited liability can be regarded as both jurisprudentially defensible and economically necessary when understood as a mechanism for the rational allocation of investment risk rather than as an unconditional immunity from responsibility. Its jurisprudential compatibility rests on the validity of lawful agreements, the possibility of defining the scope of financial obligations, the recognition of rational commercial practice, and the absence of a specific prohibition against modern corporate organization. At the same time, the principle cannot be separated from the requirements of preventing harm, respecting the rights of others, and prohibiting fraudulent or abusive conduct. Economically, limited liability lowers investment costs, promotes diversification, facilitates the accumulation and transfer of capital, and supports the development of professionally managed companies. However, these advantages may be undermined if the corporate form is used to transfer unreasonable risks to creditors, conceal assets, or avoid personal responsibility for wrongful acts. The appropriate legal approach is therefore neither to abolish limited liability nor to treat it as absolute. Instead, limited liability should remain the general rule, while clearly defined exceptions should apply where there is fraud, abuse of corporate personality, intentional asset stripping, sham incorporation, or direct wrongful conduct by controlling persons. In Iranian corporate law, greater clarity regarding asset separation, capitalization, disclosure, directors' duties, creditor protection, corporate groups, and veil piercing would improve both legal certainty and economic efficiency. Such an approach would preserve the legitimate incentives for investment while ensuring that the corporate form is not transformed into an instrument for injustice or avoidance of lawful obligations.

References

Abedini, H., & Tarashion, S. M. R. (2024). Comparative study of board structures in Germany, China and Iran. *Comparative Studies of Islamic and Western Law*, *11*(4).

Ali Kazem, R. (2025). *Public and private joint-stock companies in Iranian and French law* Urmia University].
Alilou, M. (2023). *Legal and jurisprudential foundations of commercial competition in Iran and international law*. Arshadan.
Amini, F. (2025). *The real legal personality theory of corporations and its implications in commercial company law*.
Anahid, F., & Ghorbani, S. (2024). The no-harm rule and its conflict with contractual binding force in Iranian law. Second International Conference on Law, Management, Educational Sciences, Psychology and Educational Planning,
Baghernejad, B. (2023). *Legal analysis of holding and subsidiary companies in Iranian law and common law* Tolou Mehr Higher Education Institute].
Baranzehi, N., Salarzaei, A. H., & Hosseini, S. H. (2024). Jurisprudential and legal analysis of shadow directors' civil liability in English and Iranian company law. *Private and Criminal Law Research*, *20*(2), 119-141.
Darabpour, M., Shayeganfar, A., & Darabpour, M. (2023). *Principles and foundations of domestic commercial law and transactions, book two*. Shahr-e Danesh Legal Research Institute.
Eftekhari, M., Mazloum Rahni, A., & Atashneh, M. (2025). Directors' civil liability: A comparison of Iranian and English law. *Private Law Journal*, *7*(3).
Fallah Hashjin, S. (2024). *Corporate social responsibility in Iranian law with reference to international instruments*.
Fatemi Kanglou, M. (2026). Exculpation clauses for corporate directors and their limits in Iranian law: A football training camp case study. Tenth International Conference on New Research in Sport Sciences and Physical Education,
Fatin Azar, R. (2024). Comparative analysis of contractual binding force in Imami jurisprudence, Iranian law and French law emphasizing good faith. *Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, *2*(2).
Ghaffari, M. (2023). Job security in private companies based on the rule of respect. *Legal Studies*(11), 149-160.
Ghayth Abdulrahman Hammoud, a.-T. (2024). *Corporate formation law in Iraq and Iran: A comparative study* University of Kashan].
Gholamalizadeh, A., Taghizadeh, E., & Chehkandinejad, A. (2024). Guarantee clauses in mudaraba and civil partnership contracts in Iranian law and Shia and Hanafi jurisprudence. *1*(4), 1-26.
Hakimi Sadr, M., & Aziz, S. M. (2023). Validity and invalidity of mufawada partnerships in five schools of law, Imam Khomeini's views and Iranian law. *Matin Research Journal*, *25*(100), 31-56.
Jarfi, H., Jafari, A., & Abhari, H. (2024). Civil liability arising from abuse of rights in Iranian and French law: A comparative study. *Contemporary Comparative Law Studies*, *15*(35), 87-111.
Mousavi Mobarakeh, M. S. (2023). Legal and jurisprudential nature of single-member companies in Iranian and English law. Second International Congress on Management, Economics, Humanities and Business Development,
Osama Najm, A. (2023). *Legal effects of corporate mergers on shareholder and creditor rights: A comparison of Iraqi and UAE law* Al-Mustafa International University].
Rezaei, S. (2026). The no-harm rule and limits on contractual freedom in Imami jurisprudence and Iranian and French law. *Comparative Research in Jurisprudence, Law and Politics*, *8*(2), 30-67.
Soleymanzadeh, S., Reza Khani, A., & Dalvar, A. (2025). Corporate social responsibility in Iran, France, Germany and India. *Judicial Law Perspectives*, *30*(112), 3-20.
Valaviyoun, R., & Najafzadeh, A. (2022). Civil partnership contracts: A jurisprudential and legal analysis of gaps and requirements. *Private Law Research*, *10*(39), 103-142.
Yaghoubi, F., Khajehzadeh, A., & Baghizadeh, M. J. (2024). Effects of veil piercing on parent companies and liable directors in Iranian and US law. *Comparative Research in Jurisprudence, Law and Politics*, *6*(5), 1-26.
Zamiri Touli, M. (2024). Legal liability of company directors in transactions under Iranian private law.